

وضع فعلی کانون کارشناسان در چشم‌انداز سند تحول قضایی

محمدرسول آهنگران*

جمال‌الدین ناصری**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده

صدور بیانیه «گام دوم انقلاب»، مطالبه صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر انجام تحول قضایی و نیز انتظارات روزافزون مردم، تحول قضایی را به اولویت انکارناپذیر قوه قضاییه تبدیل نموده است. با این همه و علی‌رغم تلاش همه دلسوزان، میان وضع موجود و وضع مطلوب قوه قضاییه فاصله زیادی وجود دارد. استقرار عدالت در کشورمان باید به نحوی باشد که حتی‌الامکان هیچ حقی از مردم تضییع نشود و در موارد خاص نیز قوه قضاییه با اقتدار، استقلال و بی‌طرفی و در کمال دقت، سرعت و همراه با حفظ کرامت ارباب‌رجوع، موضوعات را حل و فصل و احقاق حق نماید. بر این اساس پیامد نهایی تحول در قوه قضاییه دستیابی به «عدالت» و «رضایتمندی مردم» تعریف شده است. یکی از عناصر کلیدی در تحقق عدالت و انصاف، وجود کارشناسان پاک‌دست و متخصصی است که مسیر پرابهام پرونده‌های قضایی را روشن و هموار می‌نمایند. جا دارد با بررسی وضعیت کنونی کانون کارشناسان رسمی دادگستری (به عنوان قدیمی‌ترین نهاد کارشناسی کشور) در چشم‌انداز سند تحول قوه قضاییه و میزان همراهی و انطباق وضعیت موجود این نهاد کارشناسی با سند تحول، بررسی و شرایط هم‌سویی بیشتر با اهداف و راهکارهای ارائه شده در این سند فراهم گردد. بدیهی است هم‌جهتی مسیر کارشناسان و سیاست‌های کلان کانون کارشناسان در کشور با سند تحول، تحقق دو هدف متعالی این سند ملی یعنی عدالت و رضایتمندی مردمی را در حیطه وظایف خود تسهیل می‌نماید. در این مقاله سعی شده است مأموریت‌های قوه قضاییه مطابق سند تحول بیان شود و با طرح چالش‌ها و عوامل مؤثر در عدم تحقق مأموریت‌ها، به تبیین راهبردها و راهکارهای رفع موانع در حوزه مرتبط با کارشناسی پرداخته و وضع موجود تشریح گردد. این بررسی تطبیقی به منظور انعکاس وضعیت فعلی کانون کارشناسان در چشم‌انداز سند تحول قوه قضاییه به منظور اصلاح رویه‌ها و هم‌سویی بیشتر با سیاست‌های کلان قوه قضاییه انجام شده است.

واژگان کلیدی: سند تحول قوه قضاییه، کانون کارشناسان، کارشناس.

* استاد دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران.

ahangaran@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا دانشگاه مفید و کارشناس رسمی دادگستری (نویسنده مسئول).

Jamal.naseri.425@gmail.com

مقدمه

ارجاع به کارشناس زیربنای اجرای حق و عدالت است، البته اگر به‌جا و به‌کاردان سپرده شود. ارجاع موضوع به کارشناس آن‌قدر اهمیت دارد که لازم است قانونگذاران این تأسیس خوب حقوقی را مورد توجه مضاعف قرار دهند. فرهنگ‌سازی لازم میان مردم و مسئولین مرتبط، جهت اهتمام بیشتر به این نهاد را ضروری می‌سازد.

در قانون آیین دادرسی مدنی، کارشناسی به‌عنوان یکی از ادله اثبات دعوا مورد توجه قرار گرفته و احکام مربوط به آن در قانون بیان شده است. از مجموع مواد قانونی مربوط به کارشناسی چنین نتیجه گرفته می‌شود که چگونگی ارجاع و انتخاب و موضوع کارشناسی و نظر کارشناس تابع احکام و شرایطی است که اعتبار نظر وی مبتنی بر آنها است و عدم رعایت آنها موجب بی‌اعتباری نظر کارشناس می‌شود. معتبر بودن نظر کارشناس مشروط به شرایطی است از قبیل: صریح و روشن بودن، قاطع و منجز بودن، موجه و مستدل بودن، مطابقت با قرار ارجاع، عدم مخالفت با اوضاع محقق مورد کارشناسی و رعایت مهلت اعلام نظر (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰).

یکی از مواردی که قاضی را به علم می‌رساند حقیقتی است که توسط یک متخصص آشکار می‌شود، به نحوی که قاضی اقناع شده و موضوع را می‌پذیرد. معمولاً پرونده‌هایی به کارشناسی ارجاع می‌شود که به دلیل تخصصی بودن و پیچیدگی آن، قاضی توان صدور یک حکم منطبق با حقیقت را به دلیل عدم اشراف بر آن تخصص را ندارد. تحلیل مسائلی که یافتن راه‌حل آنها از عهده دادرس خارج است روز به روز بیشتر می‌شود. از این رو بسیاری از دعاوی که در دادگاه‌ها مطرح می‌شود دارای جنبه فنی و تخصصی است که دانش قضایی دادرس محدود به قوانین شکلی و ماهوی موجد حق نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی مجهولات در این زمینه باشد (صادقلو و نصرالهی، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

دعاوی که واجد جنبه فنی و تخصصی است به دلیل ارتباط با مسائل مادی بعضاً ارزش زیادی داشته و ارجاع به متخصص می‌تواند منافع مالی مذکور را به صاحب حقیقی آن و نهایتاً اجرای عدالت رهنمون سازد، ضمن اینکه از هزینه‌های اثبات دعوا که به اطلاع دادرسی بی‌مورد ممکن است نائل شود جلوگیری خواهد شد. به تعبیر دیگر دستمزد کارشناس، هزینه‌ای است برای کسب منافع در آینده. رجوع به کارشناسان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعیت در موضوعات ترافعی و تخصصی از ضروریات است و ارائه به‌موقع آن قطعاً به تسریع رسیدگی و رضایت طرفین دعوا می‌انجامد. موضوع

مجهول با تشخیص کارشناس معلوم و جهات تاریک و مبهم آن برطرف و چهره واقعی آن نمایان می‌شود. در واقع کارشناس موضوع‌شناسی می‌کند و دادرس با تبعیت از موضوع‌شناسی کارشناس حکم کرده و اهمیت نظریه کارشناسی در همین امر است. در اموری که تشخیص آن نیاز به دانش و تخصص دارد مسئله به کارشناس ارجاع داده می‌شود و کارشناس با انجام بررسی‌های لازم و بر اساس ادله و مدارکی که در اختیار او قرار می‌گیرد به تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری داده‌ها می‌پردازد و نظر و استنباط خود را اعلام می‌کند.

از آنجایی که کارشناس و نهاد کارشناسی جهت کمک به سیستم قضایی و اهداف آن گام برمی‌دارد عملاً می‌بایست خود را با برنامه‌ها و اسناد بالادستی مصوب قوه قضاییه همسو و همراه نماید تا بتواند هرچه بیشتر در تحقق شعارها و دستاوردهای نهایی آن که گسترش عدالت و رضایتمندی مردم است مفیدتر و کارا تر عمل نماید. از این رو در ادامه سعی شده است مأموریت‌ها، چالش‌ها، عوامل، راهبردها و راهکارهای مندرج در سند تحول قوه قضاییه که در سال ۱۳۹۸ توسط رئیس وقت این قوه ابلاغ گردیده و مرتبط با حوزه کارشناسی می‌باشد بیان شده و وضع موجود کانون کارشناسان در تطبیق با راهبردها و راهکارهای رفع عوامل و چالش‌های دستیابی به مأموریت‌های قوه قضاییه تشریح گردد.

۱. تعاریف

اصطلاحات و اختصارات مندرج در سند تحول که در این مقاله از آنها استفاده شده است در معانی مشروح زیر به کار می‌روند:

سند تحول: نسخه ارتقاء یافته سند تحول قضایی مشتمل بر چهار فصل «کلیات»، «برنامه تحول»، «نظام مدیریتی اجرای برنامه تحول» و «نظام راهبری و پایش». **مأموریت:** رسالت قوه قضاییه مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی نظام.

چالش: مسئله کلیدی نشانگر ابعاد مختلف عدم تحقق کامل مأموریت‌های قوه قضاییه.

عامل: علت ریشه‌ای اولویت‌دار پدیدآورنده چالش یا استمراردهنده آن.

راهبرد: مسیر اصلی اصلاح یا رفع عامل.

راهکار: راه‌حلی مشخص به منظور اجرای راهبردها.

واحدهای زیر نظر رئیس قوه قضاییه اعم از معاونت‌ها، واحدهای قضایی، سازمان‌ها،

مراکز و واحدهای تابعه را شامل می‌گردد. در سند تحول قوه قضاییه، کارشناسان رسمی جزء واحدهای تابعه تعریف شده‌اند.

۲. رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات؛ راهبردها و راهکارها و وضع موجود

اولین مأموریتی که در سند تحول به آن اشاره شده «رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات» است و اولین چالش در تحقق این مأموریت، غیر متقن بودن برخی از آراء و تصمیمات قضایی ذکر شده است.

۲-۱. چالش اول؛ غیر متقن بودن برخی از آراء و تصمیمات قضایی

از عوامل اولویت‌دار پدیدآورنده این چالش، به عامل سوم یعنی خطای برخی از نظرات کارشناسی اشاره شده و راهبردهای متناسب با این عامل طرح شده است. در زیر راهبردها و راهکارها تشریح شده و وضع موجود منعکس می‌گردد.

۱-۲. راهبرد اول؛ حذف مداخلات انسانی در ارجاع و ارائه نظرات کارشناسی

راهکار مناسب برای این راهبرد، ارجاع کارشناسی به صورت تخصصی و هوشمند و بدون مداخله عامل انسانی به کارشناسان و دریافت سیستمی نظرات پیش‌بینی شده است. بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که ارجاع کار در دادگاه‌ها کماکان به شیوه قبلی و توسط عامل انسانی انجام می‌شود و در برخی از شعب کماکان استفاده چندانی از سامانه جهت شناسایی کارشناسان و تشخیص صلاحیت‌ها و شناسایی کارشناسان با صلاحیت‌های جدید و ارتقاء یافته وجود ندارد. هرچند زیرساخت فرایند ارسال گزارشات به محاکم قضایی به صورت الکترونیکی فراهم شده است ولی اجبار و استفاده همگانی توسط همکاران کارشناس وجود نداشته و کاملاً اختیاری می‌باشد.

به نظر می‌رسد پیاده‌سازی سیستم ارجاع هوشمند بدون مداخله عامل انسانی به کارشناسان و دریافت سیستمی نظرات آنها در کانون‌های کارشناسان سراسر کشور امری مهم و با توجه به مطالبه حداکثری کارشناسان در تحقق شفافیت در کانون‌ها، یکی از مأموریت‌های قابل پیگیری و دستیابی در کوتاه‌مدت توسط شورای عالی و هیأت مدیره‌های کانون‌ها در کل کشور باشد. هرچند در برخی از استان‌ها این فرایند به صورت خودجوش اجرایی شده است اما وسعت و عمومیت نداشته و نیاز به اهتمام جدی در کل کشور و در تمامی کانون‌ها می‌باشد.

۲-۱-۲. راهبرد دوم؛ پیشگیری از صدور نظرات کارشناسی نادرست

برای تحقق این راهبرد، پنج راهکار پیشنهاد شده است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

۲-۱-۲-۱. راهکار اول؛ ایجاد کاربرگ‌های استاندارد برای ارائه نظرات کارشناسی**با اولویت ۱۰ رشته و صلاحیت با بیشترین تعداد ارجاع**

بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که در برخی از گرایش‌ها کاربرگ‌های خاصی در برخی استان‌ها تهیه و تعریف شده است، ولی غیر الزامی بودن و فراگیر نبودن میان کارشناسان کل کشور عملاً تحقق این راهکار را خدشه‌دار نموده است. ذکر این مطلب نیز مهم است که امکان استفاده از این سربرگ‌ها در فرایند ارسال الکترونیکی گزارش‌ها به محاکم قضایی از طریق سامانه باید فراهم گردد.

۲-۱-۲-۲. راهکار دوم؛ زمینه‌سازی برای ایجاد مؤسسات تخصصی کارشناسی رسمی

دارای مسئولیت تضامنی با ایجاد مشوق‌های لازم و کاهش تدریجی سهم ارجاع به کارشناسان حقیقی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط

بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که عملاً در این زمینه کار خاصی صورت نگرفته است، ولی جهت شکل‌گیری و پیاده‌سازی این گونه مؤسسات تخصصی کارشناسی رسمی می‌بایست علاوه بر بررسی نمونه‌های خارجی موجود و کسب دانش و تجربه از نمونه‌های موجود جهانی، بر روی مواردی همچون مسئولیت‌های حقوقی گزارشات کارشناسی تهیه شده توسط این مؤسسات، نحوه گردش کار درون مؤسسات، مباحث مالی مرتبط، استقلال نظر کارشناسی در این گونه مؤسسات و ... بررسی کافی و دقیق صورت پذیرد تا با بیشترین منفعت و کمترین آسیب، عملیاتی گردد. با توجه به تجربه جدید این مؤسسات در بدنه کارشناسی کشور، می‌بایست روشنگری و آموزش‌های لازم در این خصوص پیش‌بینی گردد تا سرنوشت این گونه مؤسسات، مشابه اتفاقات مبارک بی‌سرانجام نباشد.

۲-۱-۲-۳. راهکار سوم؛ احصاء شاخص‌های ارزیابی نظرات کارشناسی، تقویت نظارت و

برخورد متناسب با تخلفات از جمله افزایش کارآمدی هیأت‌های انتظامی در رسیدگی به تخلفات کارشناسان و ایجاد محدودیت‌ها و محرومیت‌های متناسب با تخلفات

بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که عملاً ارزیابی نظرات کارشناسی به صورت مکانیزم منسجم و با شاخص‌های تعریف شده وجود ندارد و ارزیابی کارشناسان، با معیارهای شخصی توسط قضات یا مدیران کانون‌های استان‌ها برای یک سری از

کارشناسانی که برحسب اتفاق در موضوعی خاص از آنها درخواست کارشناسی شده است به صورت ذهنی پدید آمده و هیچ معیار قابل دفاعی ندارد. بدیهی است که با تعریف شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و اجرایی شدن مکانیزم ارزیابی کارشناسان از جنبه‌های مختلف تحصیلی، فنی، مهارتی، تجربی و اخلاقی، رشد و ارتقاء جایگاه کارشناسی و بهینه شدن عملکرد آنان دست‌یافتنی است.

طبیعی است که با پیاده‌سازی مکانیسم ارزشیابی کارشناسان، نظارت بر عملکرد آنان از دقت بیشتری برخوردار گشته و دفاع از حقوق آنان اتقان لازم را به خود گرفته و برخورد با متخلفان احتمالی با قاطعیت بیشتر و محرومیت‌های متناسب‌تری همراه خواهد بود.

۲-۱-۲-۴. راهکار چهارم؛ فراهم‌سازی زمینه ایجاد «صندوق ضمانت مسئولیت کارشناسان رسمی» توسط مؤسسات و کارشناسان رسمی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط

با توجه به مسئولیت حقوقی کارشناسان در پرونده‌های ارجاعی و پذیرش مسئولیت خسارت ناشی از قصور یا تقصیر کارشناس در کارهای ارجاعی توسط قانونگذار، بدیهی است که این موضوع تبعات مالی قابل توجهی را برای کارشناسان رشته‌های مختلف که گزارشات آنها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم جنبه مالی پیدا می‌کند، به وجود آورده و در صورت بروز مشکل برای کارشناس، جبران آن خسارت برای کارشناس دارای تبعات مالی سنگین بوده و وجود چنین صندوقی برای حمایت‌های لازم از کارشناسان ضروری و تدارک مقدمات قانونی و اداری موردنیاز آن از وظایف شورای عالی می‌باشد. با تدوین اساسنامه این صندوق و سیر قانونی آن و تخصیص سهم هر استان با توجه به تعداد اعضای آن، از سهم ۵ درصد ارجاع کارها برای سهم هر استان جهت مشارکت در صندوق مسئولیت کارشناسان رسمی، امکان تعریف و عملیاتی شدن دارد.

۲-۱-۲-۵. راهکار پنجم؛ ایجاد نظام ارزشیابی و رتبه‌بندی و افزایش تدریجی سهم ارجاع به مؤسسات و کارشناسان دارای رتبه بالاتر با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط

بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که عملاً نظام ارزشیابی و رتبه‌بندی کارشناسان وجود نداشته و شاخص‌های مربوط به این موضوع تعریف علمی و عملیاتی نشده است. طبعاً با تعریف شاخص‌های قابل تعریف و اندازه‌گیری برای ارزشیابی و رتبه‌بندی کارشناسان و اطلاع‌رسانی جهت عملیاتی شدن آنها با کمترین دخالت نظرهای شخصی افراد تصمیم‌گیر، کمک قابل توجهی به منظور ارتقاء سطح کیفی کار کارشناسان و تحقق این راهکار مهم دارد. رتبه‌بندی کارشناسان در یک گرایش واحد امکان

به‌روزرسانی علمی و مهارتی آنها در طی مسیر فعالیتشان را فراهم می‌نماید. بدیهی است با توجه به رتبه کارشناس که شامل آیتم‌هایی مثل تحصیلات، دانش، مهارت، آموزش‌های فراگرفته و تجربه کارشناس می‌باشد، پرونده‌های با اهمیت بالا به کارشناسان زبده و با رتبه بالاتر ارجاع می‌گردد.

۳-۱-۲. راهبرد سوم: تقویت فضای رقابتی در ارائه خدمات کارشناسی رسمی

راهکار مناسب، پذیرش کارشناس رسمی بر اساس صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی و حرفه‌ای به صورت رقابتی با تعیین ضوابط لازم و بدون تعیین سقف ظرفیت عددی با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط است.

بدیهی است افرادی که دارای سطح معینی از دانش آکادمیک و تجربه لازم در انجام فعالیت‌های تخصصی باشند می‌توانند بر اساس ضوابط تعریف شده، در بدنه کارشناسی کشور وارد شده و با رعایت چارچوب‌های قانونی و دستیابی به توانایی و صلاحیت‌های حرفه کارشناسی در طول زمان، جایگاه مطلوب خود را از طریق رقابت سالم به دست آورند. عدم تعیین سقف ظرفیت عددی، امکان تحقق تعارض منافع در این حوزه را کاهش داده و حضور جوانان در این عرصه را تسهیل می‌نماید؛ اما رعایت حد علمی قابل قبول برای پذیرفته‌شدگان نباید به دلیل گسترش فضای کسب و کار کاهش پیدا کند.^۱ بررسی وضع موجود نشان از این دارد که این راهکار در شرایط فعلی به صورت صحیح و کامل اجرایی نشده و تعیین سقف ظرفیت عددی و فرایند طولانی از زمان قبولی در آزمون تا ورود به جرگه کارشناسی از جدی‌ترین موانع تحقق این راهکار می‌باشد.

۳-۲. چالش دوم: اطاله در فرایند رسیدگی

دومین چالش که در تحقق اولین مأموریت قوه قضاییه در سند تحول به آن اشاره شده و در حوزه کارشناسی قابل طرح می‌باشد اطاله در فرایند رسیدگی است. از عوامل مؤثر در این چالش، عامل اطاله در فرایند کارشناسی مطرح شده است. دو راهبرد برای

۱. موضوعی که اخیراً در مجلس شورای اسلامی به دلیل توسعه فضای کسب و کار طرح شده و برای تسهیل این موضوع سطح قبولی را تا حد غیر قابل قبولی کاهش داده‌اند. این موضوع خود سبب چالش‌های جدی در آینده خواهد شد و نمی‌بایست حوزه کارشناسی درگیر مباحث این‌چنینی گردد؛ چراکه اساساً کارشناسی شغل نیست و کاهش سطح علمی پذیرفته‌شدگان یعنی کاهش سطح علمی افراد کمک‌کننده به قاضی و این خود آسیب‌های بعدی را به همراه دارد.

تحول در این بخش پیش‌بینی شده است.

۱-۲-۲. راهبرد اول؛ استانداردسازی فرایند ارجاع و اخذ نظرات کارشناسی

راهکار ارائه شده برای تحقق این راهبرد عبارت است از: ایجاد کاربرد استاندارد برای فرایند کارشناسی در «سامانه مدیریت پرونده» به منظور ذکر دلایل ضرورت ارجاع به کارشناسی و موضوعات لازم برای اظهار نظر در قرار ارجاع به کارشناسی توسط قضات و گواهی بر فقدان نقص، ابهام و اجمال در نظرات اخذ شده.

با توجه به اجرایی شدن ابلاغ‌های الکترونیکی از طریق سامانه ثنا برای کارشناسان و اطلاع‌رسانی پیامکی برای اطلاع از ارجاع کار به کارشناس، سرعت در اطلاع‌رسانی و آگاهی کارشناس از داده‌های اولیه موجود در پرونده ارجاعی عملیاتی شده است، ولی با توجه به اینکه ابلاغ‌های صورت گرفته بعضاً از دقت کافی برخوردار نبوده و اطلاعات کمی از پرونده را دربر می‌گیرد، پیگیری‌های بعدی کارشناس در خصوص پرونده از طریق شعبه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به نظر می‌رسد اگر قرار صادره توسط قاضی محترم، اوراق پرونده در آخرین شعبه و اطلاعات تماس طرفین دعوا و وکلای آنها به صورت الکترونیکی در اختیار کارشناس قرار گرفته و تأییدیه قرائت اوراق پرونده توسط کارشناس به صورت الکترونیکی برای آن پرونده اخذ گردد، مراحل تهیه و ارائه گزارش کارشناسی سریع‌تر و طبعاً چالش مدنظر قوه قضاییه از نظر اطاله فرایند رسیدگی با سرعت بیشتری مرتفع می‌گردد.

این موضوع در خصوص ارگان‌ها و سازمان‌هایی مثل شهرداری، سازمان آب، منابع طبیعی و ... که نیاز به کارشناسی داشته و درخواست خود را به صورت فیزیکی برای کانون کارشناسان در استان‌ها ارسال می‌کنند و به صورت فیزیکی دریافت می‌نمایند، می‌تواند از طریق الکترونیکی شدن فرایند درخواست و ارجاع پاسخ به آنها عملیاتی گردد. وضع موجود کانون‌های کارشناسان در استان‌های مختلف حاکی از آن است که اغلب کانون‌ها فاقد این مکانیسم اداری می‌باشند.

۲-۲-۲. راهبرد دوم؛ تعیین محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا

به نظرات کارشناسی

راهکار ارائه شده برای تحقق این راهبرد عبارت است از: محدودسازی مراحل ارجاع به کارشناس تا مرحله هیأت کارشناسی پنج نفره. بررسی شرایط موجود نشان می‌دهد که عملاً هیچ منعی برای ارجاع کار

به کارشناسی‌های با تعداد افراد بیشتر وجود ندارد و کارشناسی‌هایی تا ۹ نفره و بیشتر هم در برخی پرونده‌ها وجود دارد و در خیلی از موارد جواب کارشناسی‌های بالاتر مشابه یا منطبق با نظرات قبلی است. اساساً اعتراض به نظر کارشناس بر طبق یکی از ایرادات قانونی مطرح می‌شود که به اعتقاد اصحاب دعوا به نظر کارشناس وارد است. البته در هیچ‌یک از مواد قانونی، طرح اعتراض نسبت به نظر کارشناس مقید به ذکر جهت خاصی نشده است، اما دادرسی در صورتی می‌تواند نسبت به اعتراض اصحاب دعوا توجه نماید که اعتراض را وارد تشخیص دهد و این امر با ذکر علت و جهت طرح اعتراض امکان‌پذیر است (حیدری و رزمجو، ۱۳۹۴، ص ۱۷۵). بدیهی است که توجیه قضات محترم و آشنایی آنها با موارد مشابه غیر ضرور در پرونده‌های با تعداد کارشناسان زیاد و اصلاح قوانین در تعیین سقف هیأت‌های کارشناسی کمک بسزایی در این زمینه خواهد بود.

شورای عالی کانون کارشناسان در این مورد می‌تواند با جمع‌آوری گزارشات کارشناسی هیأتی بالای ۵ نفر در ده سال اخیر سطح کشور در رشته‌های با ارجاع بالا و بررسی آنها و استخراج نتیجه نظرات نهایی در هیأت‌های مختلف به صورت آماری، خروجی مناسبی را جهت تصمیم‌گیری بهتر برای تصمیم‌گیران تهیه نمایند و وظیفه همفکری جهت تشخیص موارد مشابه غیر ضرور هیأت‌های کارشناسی با تعداد بالا را به عمل آورد. ذکر این نکته ضروری است که در برخی از پرونده‌های هیأتی، تمامی کارشناسان از یک صلاحیت نبوده و از دو یا چند صلاحیت می‌باشند که بهتر است برای این‌گونه پرونده‌ها با صلاحیت‌های متنوع تا هیأت هفت نفره پیش‌بینی گردد.

۳. احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

دومین مأموریتی که در سند تحول به آن اشاره شده «احیاء حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است. چالشی که در تحقق این مأموریت بیان شده است فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه می‌باشد.

۳-۱. تشتت نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه

اولین عاملی که ریشه اولویت‌دار پدیدآورنده این چالش ذکر شده، تشتت نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه است. راهبردی که مسیر اصلی اصلاح یا رفع این عامل می‌باشد تجمیع ظرفیت‌ها و تقویت تعامل و هم‌افزایی میان نهادهای مسئول بیان شده است و راهکار لازم، تعریف مفهوم احیاء حقوق عامه، تعیین حوزه‌های موضوعی و اولویت‌بندی آن، شناسایی دقیق و اعلام عمومی مصادیق حقوق عامه با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط می‌باشد.

۳-۲. حقوق کارشناسان و احصاء آن در بدنه سیستم قضایی و کارشناسی کشور

یکی از موضوعاتی که کمتر به آن توجه شده، حقوق کارشناسان و احصاء آن در بدنه سیستم قضایی و کارشناسی کشور است. توجه به این موضوع که نیروی انسانی فعال در این حوزه دغدغه‌هایی داشته و ذهن کارشناسان را درگیر کرده و انرژی آنها را مستهلک نموده و رفع آنها در گسترش عدالت و رضایتمندی کارشناسان سهم بسزایی داشته و در کیفیت کار آنان و خروجی مناسب‌تر برای دستگاه قضا مؤثر بوده، اهمیت بسزایی دارد. عمده مسائلی که در هر محفل کارشناسی از آن صحبت به عمل می‌آید شامل عدالت در ارجاع کار، تحقق دستمزد قانونی کارشناس، استقلال در نظریه کارشناسی و مصونیت کارشناس در برابر توهین است.

۳-۲-۱. عدالت در ارجاع

در انتخاب کارشناس و ارجاع به کارشناس چنانچه قید قرعه رعایت شود، تا حدودی شرایط برای کلیه کارشناسان رشته موردنظر جهت کارشناسی، به طور یکسان و مساوی به وجود می‌آید، لیکن به لحاظ اینکه تعداد کارشناسان یک رشته در کانون محل اجرای قرار کارشناسی، در حال حاضر زیاد است عملاً امکان قرعه‌کشی از میان تمامی آنها وجود نداشته و قاضی تنها با رعایت صلاحیت و وثاقت و توانایی‌های فنی کارشناسان و آشنایی قبلی، تعدادی از آنها را انتخاب و از میان آنها به قید قرعه کارشناس موردنیاز را انتخاب و امر کارشناسی را به وی ارجاع می‌نماید. این روش ارجاع کار دارای اشکال جدی است که عدالت در آن رعایت نشده و روش هر قاضی برای انتخاب فهرست کارشناسان منتخب خود کاملاً روشی شخصی و غیر قابل دفاع می‌باشد. به همین دلیل است که کارشناسان مشابه در یک رشته برخی بدون ارجاع کار و با درآمدهای بسیار ناچیز و برخی با انبوهی از ارجاعات و درآمد بسیار بالا توان انجام به‌موقع قرار دادگاه را ندارند. این شرایط اساساً با عدل و انصاف سازگار نیست. اصلاح این روش به طریق مناسب و بر اساس رتبه کارشناس و نوبت‌دهی سیستمی به گسترش عدل و احیاء حقوق عامه کارشناسان کمک بسزایی می‌نماید.

۳-۲-۲. تحقق دستمزد قانونی کارشناس

مطابق ماده ۲۹ ق.ک.ر.د و ماده ۵۶۰ و تبصره ۱ ماده ۶۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ که به هزینه کارشناسی پرداخته است، این هزینه باید طبق مقررات موجود و

تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی مصوب رئیس قوه قضاییه پرداخت شود. دستمزد کارشناس، در زمان انشاء قرار کارشناسی مستند به ماده ۲۶۴ ق.آ.د.م به صورت علی‌الحساب تعیین می‌شود. در متن ماده مذکور به علی‌الحساب بودن دستمزد تعیینی اشاره‌ای نشده ولیکن از مفهوم ماده چنین برداشت می‌شود که حق‌الزحمه تعیینی، به صورت علی‌الحساب است و در صورت لزوم و صلاحدید، دادگاه می‌تواند دستمزد تعیین شده را افزایش دهد. لذا بعد از انجام کارشناسی و ارائه نظریه چنانچه کارشناس از محکمه تقاضای افزایش دستمزد کارشناسی نماید دادگاه به صلاحدید و تشخیص، حق‌الزحمه را در چارچوب تعرفه افزایش داده و دستور وصول آن را صادر می‌نماید (صمدی، ۱۳۹۶، ص ۸۷).

در این مسیر، کارشناسان با دو چالش مهم و مبتلابه روبه‌رو هستند: اول، عدم توجه به دستمزد قانونی کارشناسان از سوی قضات محترم و دوم، عدم تمکین و پرداخت دستمزد کارشناسان از سوی اصحاب دعوا. مورد اول غالباً به دلیل عدم اقناع قضات نسبت به دستمزد اعلامی و عدم اشراف به قانون دستمزد کارشناسان، به درستی اجرایی نشده و سبب ایجاد نارضایتی کارشناسان می‌گردد. مورد دوم نیز به دلایل مختلفی از قبیل عدم اطلاع‌رسانی کافی از سوی همکاران اداری شعبه دادگاه مبنی بر علی‌الحساب بودن دستمزد پرداختی توسط متقاضی، پرداخت مبلغ کم علی‌الحساب اولیه و اختلاف فاحش با دستمزد نهایی رخ می‌دهد.

بدیهی است که توجیه قضات محترم در خصوص قانون دستمزد کارشناسان با برگزاری جلسات توجیهی و فنی با حضور پیشکسوتان امر کارشناسی در تنویر اذهان قضات محترم در تعیین مبلغ اولیه دستمزد و صدور دستمزد نهایی کارشناسان در کاهش اختلاف نظرها میان قضات و کارشناسان و گسترش عدالت در این خصوص کمک بسزایی می‌نماید. همچنین توجیه ارباب‌رجوع در علی‌الحساب بودن پرداختی ابتدای صدور قرار و تعیین نزدیک به واقع مبلغ اولیه، در استنکاف متقاضی از پرداخت مابقی دستمزد کارشناسی مؤثر می‌باشد.

۳-۲-۳. استقلال در نظریه کارشناسی

کارشناس باید مانند قاضی در اظهار نظر کارشناسی کاملاً مستقل و به دور از هرگونه تأثیرپذیری از جانب اصحاب پرونده یا هر نهاد دیگر مبادرت به اظهار نظر کارشناسی کند و نباید تحت فشارهای جانبی یا نگرانی‌های ناشی از هرگونه عدم جانبداری، نسبت به

موضوع اظهار نظر نماید که اگر چنین کند، علاوه بر اینکه مرتکب تخلف شده، موجبات تضییع حقوق دیگران را نیز فراهم کرده است (صمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱).

اگر مکانیزم ارجاع کارشناسی به صورت سیستمی و بدون دخالت اشخاص در محاکم قضایی اجرایی گردد عملاً امکان عدم تحقق استقلال در نظریه کارشناسی توسط کارشناس کاهش پیدا کرده و موارد اندک قابل پیگیری می‌باشد.

با عنایت به این موضوع که در برخی از استان‌ها تعدادی از ارگان‌ها برای مباحث فنی خود رأساً مبادرت به انتخاب کارشناس می‌نمایند و فرایند درخواست کارشناس را از مجرای قانونی خود طی نمی‌کنند، امکان تحقق استقلال در نظریه کارشناسی کاهش یافته و سبب کاهش جایگاه منزلت کارشناسی می‌گردد. با توجه به در دسترس نبودن مستندات کافی در این خصوص نمی‌توان تعمیم و گسترده‌گی خاصی در این زمینه در نظر گرفت، ولی برخی از ارگان‌های دولتی در استان‌های مختلف در زمان نیاز به کارشناسی بعضاً افرادی را انتخاب می‌نمایند که از ماحصل نتیجه کارشناسی آنها کمترین دغدغه را داشته باشند. بدیهی است که اصلاح ارجاع امور کارشناسی در سطح استان‌ها نیاز به پیگیری‌های ملی و استانی جهت اصلاح رویه‌های قانونی مرتبط را ضروری می‌سازد.

۴-۲-۳. مصونیت کارشناس در برابر توهین

در ماده ۲۰ لایحه استقلال قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ شورای انقلاب آمده بود: «هرکس در حین انجام وظیفه کارشناسی یا به سبب آن نسبت به کارشناس رسمی دادگستری توهین نماید به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز الی ۳ ماه محکوم خواهد شد.»

با توجه به اینکه در هنگام کارشناسی ممکن است شخصی از اصحاب پرونده، به کارشناس توهین کند، ماده ۲۰ لایحه استقلال قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱، ضمانت اجرای کیفری مناسبی برای مصونیت و انجام وظیفه کارشناسی بود و در عمل می‌توانست اهرم مناسبی برای حفظ شأن کارشناس و جلوگیری از توهین به کارشناس باشد؛ لیکن با عنایت به ماده ۴۱ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸، قوانین سابق از جمله لایحه قانونی استقلال قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ که به‌صراحت از آنها نام برده، لغو شده و چنین ضمانت اجرای کیفری در قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب

۱۳۸۱/۱/۱۸ پیش‌بینی نشده است (صمدی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱).

توهین به کارشناس به لحاظ عدم وجود رابطه استخدامی با دولت صرفاً منطبق با ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) بوده و پس از تصویب قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ و لغو قوانین سابق از جمله لایحه قانونی استقلال قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ شورای انقلاب، مستند قانونی که به طور خاص برای حمایت جزایی از کارشناس رسمی بتوان به آن استناد کرد، وجود ندارد.

به نظر می‌رسد با اصلاح موارد قانونی، در صورتی که کارشناسی به دستور دادگاه باشد، بتوان کارشناس را مأمور دولت برشمرد و مورد حمایت قانونی قرار داد و در برابر توهین احتمالی افراد از او صیانت نمود. همچنین در مواردی که کارشناسی با درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر انجام می‌شود نیز بتوان از کارشناس مطابق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) صیانت کرد.

نتیجه

با مرور بندهای مذکور از سند تحول قوه قضاییه این‌گونه برداشت می‌شود که کانون کارشناسان برای قرارگیری در مسیر تحولی مدنظر دستگاه عدلیه می‌بایست راهکارهای طرح شده را با تدوین و عملیاتی کردن نقشه راهی برای تحقق راهبردهای زیر هموار سازد: حذف مداخلات انسانی در ارجاع و ارائه نظرات کارشناسی، پیشگیری از صدور نظرات کارشناسی نادرست و کم دقت، تقویت فضای رقابتی در ارائه خدمات کارشناسی رسمی، استانداردسازی فرایند ارجاع و اخذ نظرات کارشناسی، تعیین محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا به نظرات کارشناسی.

تصمیم جدی شورای عالی کانون کارشناسان جهت اجرایی شدن و پیاده سازی اهداف فوق، با بهره‌گیری از ظرفیت اساتید دانشگاه‌ها، کارشناسان رسمی باسابقه و دلسوز و مدیران ارشد قوه قضاییه، سیر تحولی را در کانون کارشناسان در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت شدنی و امکان‌پذیر کرده و وظیفه ذاتی خود در کمک به گسترش عدالت و رضایتمندی مردم را تحقق می‌بخشد. بدیهی است که اگر این کار توسط مدیران ارشد کانون کارشناسان پیگیری نگردد، توسط افرادی خارج از مجموعه کارشناسی به آنها تحمیل خواهد شد.

فهرست منابع

۱. حسن‌زاده، مهدی، «اعتبار نظر کارشناسی»، اندیشه‌های حقوقی، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۲. حیدری، سیروس و محمدحسین رزمجو، «اعتراض به نظر کارشناس»، حقوق اسلامی، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۳.
۳. صمدی، سید رسول، «بررسی حقوق کارشناسان رسمی دادگستری در حقوق ایران»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۴. یوسفی صادقلو، احمد و علی نصرالهی، «کارشناسی و خبره‌گی ماهیت و کارایی»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۴.

The Current Situation of the Association of Experts in the Perspective of the Judicial Transformation Document

Mohammadrasol Ahangaran*
Jamalodin Naseri**

Received: 19/09/2020

Accepted: 30/11/2020

Abstract

The issuance of the "Second Step of the Revolution" statement, the explicit demand of the Supreme Leader of the Islamic Revolution for judicial transformation, as well as the growing expectations of the people, has made judicial transformation an undeniable priority of the judiciary. Nevertheless, despite the efforts of all sympathizers, there is a big gap between the current situation and the favorable situation of the judiciary. The establishment of justice in our country should be in such a way that no rights of the people are violated as much as possible, and in special cases, the judiciary with authority, independence and impartiality, and with full accuracy, speed and while preserving the dignity of the client, resolve issues and realize rights. N. Accordingly, the final consequence of change in the judiciary is defined as achieving "justice" and "people's satisfaction". One of the key elements in achieving justice and fairness is the existence of honest and professional experts who clear the ambiguous path of judicial cases. It is appropriate to examine the current situation of the Association of Formal Judicial Experts (as the oldest expert body in the country) in the perspective of the Judiciary Transformation Document and the extent to which the current situation of this expert institution is consistent with the Transformation Document; To study and provide more alignment with the goals and strategies presented in this document, it is obvious that the direction of experts and the macro policies of the Association of Experts in the country with the transformation document, the realization of two sublime goals of this national document, namely justice and satisfaction Facilitates people in their area of responsibility.

Key words: *Judiciary Transformation Document, Expert Association, Expert Witness.*

* Professor at Law Faculty of Farabi Campus of Tehran University.
ahangaran@ut.ac.ir

** MA in Middle East and North Africa Studies of Mofid University and Official Expert of the Judiciary.
Jamal.naseri.425@gmail.com